

کرامت انسانی؛ فصل الخطاب اندیشه‌های دینی و تفکرات اخلاقی

حمیدرضا صالحی

محمود عباسی

چکیده

کرامت ذاتی یکی از اوصاف عالی‌ه انسانی و از جمله حقوق بنیادین همه ابنای بشر است که هیچ شرطی آن را مشروط و هیچ قیدی آن را مقید نمی‌سازد. در آموزه‌های ادیان الهی و به ویژه در مکتب حیات‌بخش اسلام در این خصوص مباحث نافع و کثیری وجود دارد که می‌توان شمه‌ای از آن را بدین نحو تنزل داد که بشر به لحاظ دمیدن روح الهی در او حائز مقامی بی‌بدیل شده است و بالتبع، حصول بدین مقام منیع، تالی تلو کثیری برای او به ارمغان داشته است که البته این کرامت ذاتی، در عین حق بودن، وظیفه صیانت از آن در زمره تکالیف مهم مسلمانان و بلکه عالمیان است. کرامت ذاتی بشر قاعده‌ای است جهانشمول و فطری که عموم هیچ عام و اطلاق هیچ مطلقاً توان تخصیص و تقیید آن را ندارد. لزوم مراعات این مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس شده است و جهت بسط شمول این قاعده در عرصه بین‌المللی، لزوم صیانت از کرامت انسانی در اسنادی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه ژنوم انسانی، اعلامیه هلسینکی، اعلامیه بین‌المللی اخلاق زیستی و حقوق بشر یونسکو و امثال آن تصریح و متبلور شده است.

واژگان کلیدی

کرامت انسانی؛ ادیان الهی؛ انسان؛ اسلام؛ اخلاق زیستی؛ اسناد بین‌المللی.

کرامت انسانی؛ فصل الخطاب اندیشه‌های دینی و تفکرات اخلاقی

جوهر است انسان و چرخ او را عرض جمله فرع و سایه‌اند و تو غرض تاج کرمنا است بر فرق سرت طوق اعطیناک آویزه برت ای غلامت عقل و تدبیرات و هوش چون چونینی خویش را ارزان فروش؟^۱

کرامت انسانی، از جمله مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی با تأکید بسیار به کار رفته و از جمله ارزش‌هایی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد.^۲ در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت اسلامی، این معنا باید مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و هم از راه تحقیق برای شناخت دقیق آن و کشف رابطه‌اش با سایر عناصر روان‌شناختی و تربیتی، و هم از راه اعمال شیوه‌های تحقق آن، در جهت بسط و توسعه آن تلاش شود. کرامت انسانی، حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است. توجه به آن و پاسداری از حریم آن، از وظایف ثقیل مسلمانان بوده و در جامعه اسلامی و در فرهنگ دینی، کرامت انسانی باید منزلتی رفیع داشته باشد (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸).

کرامت انسانی در حفظ نظام اجتماعی نیز نقش بسزایی دارد. اجتماع انسانی احتیاج به نظامی دارد که با اتکاء بر آن، روابط انسان‌ها حفظ شود و در جهت کمال حرکت کند. مسئولان جامعه باید برای تنظیم روابط انسان‌ها در آن، چاره‌ای بیندیشند و نظامی محکم را بر آن حاکم سازند.^۳ یکی از مواردی که می‌تواند روابط انسان‌ها را تنظیم کند، پرورش کرامت در افراد اجتماع و شناساندن آن توسط هر انسانی به انسان‌های دیگر است. انسانی که برای خود کرامتی قائل است، در حفظ آن تلاش خواهد کرد و دست‌کم برای حفظ کرامت خویش، کرامت سایرین را نیز محترم خواهد داشت؛ در حالی که انسانی که فاقد این اوصاف است

و خویشتن را ارزشمند نمی‌داند، می‌تواند منشاء بسیاری از مشکلات برای سایر افراد جامعه باشد (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

مسئله فطرت و کرامت انسانی، یکی از مسائلی است که در این زمان مورد توجه مکاتب علمی و فلسفی نیز بوده و هر مکتبی نسبت به مبنای فلسفی خود در این خصوص اظهارنظر کرده است (محمدپور دهکردی؛ اکبریان؛ اعوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). بعضی برای انسان فطرت و فطریاتی قائلند ولی برخی دیگر این گونه مباحث را از اساس منکرند. از طرفی در مورد اصالت کرامت انسانی هم، عده‌ای آن را توهمی خودساخته می‌پندارند ولی در مقابل، جمع کثیری آن را واقعیات خارجی، لازم‌الاحترام و لایتنغیر می‌دانند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲).

کرامت ذاتی انسان یکی از مفاهیمی است که قاطبه انسان‌ها حداقل از لحاظ تئوری آن را قبول دارند و از آنجایی که از جمله مفاهیم جهانی و فطری است که بین تمام ابنای بشر مشترک است، می‌توان از مقبولیت جهانی آن در جهت مصالح بشری استفاده نمود. در این مقاله ضمن بحث مختصری از معنا و مفهوم و انواع و حدود و ثغور کرامت انسانی، به بررسی موضوع از دیدگاه ادیان ابراهیمی و حقوق موضوعه و اخلاق زیستی و برخی از مقررات بین‌المللی پرداخته شده است. تذکر این نکته ضروری است که این مقاله درصدد مطالعه تطبیقی کرامت انسانی در اسلام یا مسیحیت و یا در حقوق ایران و سایر کشورها نبوده است زیرا به نظر می‌رسد مفهوم و حدود و ثغور این مسئله در جهان‌بینی اسلام و مسیحیت و اندیشه‌های اومانیستی بعضاً بسیار متفاوت و تفصیل آن از حوصله این مقاله خارج است، بنابراین در نوشتار حاضر به قدر متیقن و مسلم این مفهوم بین ادیان ابراهیمی و جوامع مختلف پرداخته شده است.

۱- مفهوم کرامت انسانی و گستره آن

۱-۱- مفهوم کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنای تعظیم و تنزیه آمده همچنانکه گفته اند: «تکرّم فلان عمّا یشین اذا تنزّه و اکرم عن الشائئات» (لسان العرب، ۵۱۲/۱۲ به نقل از: باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳). در فارسی باید چندین کلمه را کنار هم بگذاریم تا بتوانیم این کلمه را معنای دقیق کنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۱۲). در اصطلاح دینی کرامت اسم عام است که اگر در مورد خداوند به کار رود به معنای احسان و انعام خدا بر بندگان است و اگر در مورد انسان به کار رود به معنای اخلاق و افعال نیکو و پسندیده است که از انسان ظاهر می شود (مجمع البحرین، ۱۵۳/۶ به نقل از: باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳). راغب در کتاب مفردات می گوید: کرم اگر وصف خدا واقع شود، مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می شود. چرا که کرامت نحوه وجود و هستی خاصی است که مصداق اکمل و اتم آن برای خدای سبحان ثابت است که دارای عالی ترین درجه بوده، بلکه خود هستی محض است و چون معنای کرامت هم بر واجب الوجود و هم بر ممکن الوجود به نحو اشتراک معنوی نه لفظی اطلاق می گردد، معلوم می شود که از سنخ ماهیت نبوده و داخل هیچ مقوله ماهوی نیست. به گفته فراهیدی و زبیدی در العین و تاج العروس، «کرامت» اسمی است از اکرام که به جای آن به کار می رود. مانند طاعت که به جای اطاعت به کار می رود.^۴ از عبارت راغب اصفهانی در مفردات^۵ روشن می شود که صفت کرم وقتی متصف به خداوند می شود اسمی است که از احسان و انعام پروردگار خبر می دهد و وقتی متصف به انسان می شود اسمی است که خبر از اخلاق و رفتار پسندیده انسان می دهد. به طور کلی هر چیز شریفی در محدوده جنس خودش با وصف کریم

بیان می‌شود. راغب درباره اکرام و تکریم که موضوع مورد بحث ماست می‌گوید: اکرام و تکریم یعنی اینکه اکرام و نفعی به انسان برسد، که در پی آن سختی و حرجی نباشد. یا آن که آن چه به انسان می‌رسد چیز با ارزشی باشد. (سلیمی زارع، قاضی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷۰). البته در این مقاله معنایی که در ادبیات عرفانی از کرامت می‌شود مد نظر نیست (پشت‌دار، عباسپور خرمالو، ۱۳۸۸، ص ۶۰).

برخی از نویسندگان کرامت انسانی را چنین تعریف‌اند: «به ارزش ذاتی موجودات انسانی، صرف‌نظر از سن، جنس، توانایی روانی و فیزیکی، مذهب و خاستگاه قومی یا اجتماعی اشاره دارد. واژه ذاتی بر این دلالت دارد که چنین کرامتی نه بر پایه خصیصه یا ظرفیت خاص افراد، بلکه صرفاً بر بنیاد انسانی آن‌ها استوار است؛ چرا که کرامت را نمی‌توان اعطاء کرد یا پس گرفت و تصور هیچ درجه و مرتبه‌ای برای آن روا نیست.»

تنها آیه‌ای از قرآن که به صراحت به بحث کرامت انسانی پرداخته، آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء می‌باشد که مقصود از تکریم، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در مابقی نباشد. به عبارتی تکریم معنایی است نفسی و در آن کاری به غیر نیست بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی شود (صادق‌پور، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

کرامت، معادل واژه انگلیسی *dignity* مأخوذ از ریشه لاتینی *dignita* به معنی «حالت درخور تکریم یا احترام» است (لغت‌نامه لانگ من، ۲۰۰۳، ص ۱۱۵).

کرامت در معنای عام خود دلالت بر وجود کیفیتی خاص در حامل آن، اعم از انسان و غیرانسان دارد که سبب برتری و امتیاز او نسبت به دیگران محسوب می‌شود. این معنا از کرامت جنبه عرضی دارد و قابل اکتساب و قابل زوال است. اما وقتی کرامت به انسان نسبت داده می‌شود به معنای نفی امتیازهای عرضی و

راجع به حرمتی است که هر انسانی بما هُوَ انسان از آن متمتع است. این معنا از کرامت ذاتی انسان است که نه حاصل و نه زائل می‌شود.

از مطالب فوق می‌توان موارد زیر را به عنوان خلاصه بیان کرد:

۱- کرامت اسم اکرام است و گاهی نیز به جای آن به کار می‌رود. ۲- گوهر معنایی کرامت، انعام کسی یا چیزی است. بعضاً اعطاء چیز با ارزشی مثل باران از جانب ابر است و بعضاً مثل ثمره و میوه از جانب درخت است و بعضاً فضل و بخشش چیزی به مخلوق است از جانب رب العالمین. ۳- آنچه متعلق اکرام قرار می‌گیرد، چیز باارزشی است: «وکلّ شیء شرف فی بابه فإنه یوصف بالکرم». ۴- ناگفته نماند که کرامت در عرف زبان ما بعضاً اضافه به فاعل می‌شود (کرامت الهی) و بعضاً اضافه به مفعول (کرامت انسانی) (سلیمی زارع، قاضی‌زاده، ۱۳۸۶، صص ۷۱-۷۰). معنای مورد بحث در این مقاله، معنای اخیر است که از جانب حق تعالی به انسان عطا شده است.

۱-۲- اهمیت کرامت انسانی

بدون تردید از نظر آماری بیشترین حجم تحقیقات بعد از حقوق بشر مربوط به کرامت انسانی است. در حال حاضر چند عنوان مجله تخصصی در جهان در زمینه کرامت انسانی منتشر می‌شوند و آثار زیادی در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله و... تألیف و عرضه می‌شوند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۱۱۲). انسان و کرامت و منزلتش از مسائل مهم دوران معاصر است که تبیین و تفسیر آن از نظر منابع دینی به‌ویژه قرآن کریم و متعاقباً، حصول به راهکارهای تحقق آن در زندگی بشر امروزی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. کرامتی که منشأ الهی و سماوی دارد و در شمار اولین صفات خداوندی است. کرامتی که در هر انسانی، حتی اگر خردلی از

آن محقق شود، او را از رذائل فراوانی، مصون می‌دارد؛ آنچنان که مولا علی (ع) می‌فرماید: هر فردی از کرامت نفس برخوردار و از نفسی کریمانه بهره‌مند باشد، شهوات و زشتی‌ها، نزد او بی‌ارزش و بی‌ثمر می‌گردد (مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). هنگامی که کرامت نفس به صورت تمام و یا بخشی از آن در انسان تبلور یافت، جامعه نیز کریمانه و مملو از کرامت می‌شود و در آن صورت جامعه بشری، به جامعه الهی و آسمانی خواهد رسید، جامعه‌ای که هر انسان متفکری، علاقه‌مند است تا بدان سمت حرکت، و بلکه پرواز کند و در چنین محیط مملو از عدل و داد است که ابنای بشر فوج فوج از اکناف عالم به این امّ القراء رهسپار می‌شوند و گمگشته خویش را در وادی کرامت انسانی که مبتنی بر نظام توحیدی است ملاحظه می‌کنند (صانعی‌پور، ۱۳۷۶، ص ۶۲).

۳-۱- اقسام کرامت انسانی

به اعتقاد برخی از متفکران در سراسر خلقت، سه نوع کرامت متصور است:

- ۱- کرامت ملکوتی که فرا طبیعی صرف و مربوط به ملائک، عرش الهی، حاملان عرش و است. ۲- کرامت طبیعی که مربوط به موجودات طبیعی است. از این رو خداوند، گیاهان را با وصف کرامت یاد می‌کند و می‌فرماید: «اولم یروا الی الأرض کم أنبتنا فیها من کل زوج کریم» (شعرا، ۷/۲۶). ۳- کرامت رفیع انسانی که از تلفیق بین طبیعت و فرا طبیعت حاصل آمده و از جمع سالم میان کرامت ملکوتی و کرامت طبیعی حاصل شده است (جوادی آملی، بی‌تا، ص ۳۲۷).

بیان قرآن در زمینه کرامت انسان دو گونه است: در بخشی از آیات از کرامت و ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آمده است (اسراء/۷۰، مؤمنون/۱۴، تین/۱۴، لقمان/۲). و در برخی انسان مورد نکوهش قرار گرفته و حتی

دون بودن او از حیوانات مطرح شده است (نساء/۲۸؛ معراج/۱۶؛ ابراهیم/۳۴؛ احزاب/۷۲؛ اعراف/۱۷۹ و تین/۵) (صادق‌پور، ۱۳۸۶، ص ۵۴-۵۳). باید دانست که انسان دارای دو نوع کرامت است که ذیلاً به شرح مختصری از آن پرداخته می‌شود:

الف - کرامت ذاتی

مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به نحوی آفریده است که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی، از امکانات و مزایای بیشتری متنعم است و یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و در هر حال از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است (رمضانی، بی‌تا، ص ۵۶). این نوع امکانات در واقع حاکی از عنایت ویژه حق تعالی به نوع انسان است و کلیه انسان‌ها از آن متنعم‌اند. بنابراین هیچ کس نباید به خاطر برخورداری از آن بر موجودی دیگر فخر بفرورد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند. چرا که این کرامت به اختیار انسان ارتباطی ندارد و نوع انسان، لاجرم از این کرامت متمتع است. آیاتی مانند آیه ۴ سوره تین: «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم» و آیه ۱۴ سوره مؤمنون: «ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين» و آیه ۷۰ سوره اسراء: «لقد كرما بني آدم و حملناهم في البرّ و البحر» و آیات متعددی که از تسخیر جهان آفرینش و آن چه در زمین است برای انسان سخن می‌گویند، همه بر کرامت تکوینی و ذاتی نوع انسان دلالت دارند.

کرامت ذاتی خود به دو شکل ظاهری و معنوی تحقق یافته است: تکریم ظاهری مثل: ایستاده، راه رفتن، خوردن و آشامیدن با دست، قدرت بر نوشتن، اعتدال مزاج، تسلط بر طبیعت، تهیه اسباب معاش و امثال آن که در کلام برخی مفسران آمده است و تکریم معنوی انسان به عقل، که بسیاری از تکریم‌های ظاهری از آن

نشأت می‌گیرد و انسان را بر سایر حیوانات ترجیح داده است. این نعمت که عظیم‌ترین و محبوب‌ترین نعمت خداوند است، انسان را در تشخیص حق و باطل، خیر و شر، صلاح و فساد و حُسن و قُبْح دلالت می‌کند. تکامل زندگی بشر از این نعمت نشأت می‌گیرد. هر یک از این دو تکریم شامل کلیه انسان‌ها می‌شود. نه تنها رنگ، نژاد، قبیله و... در آن تأثیری ندارد، بلکه ملاک‌های برتری حقیقی مانند ایمان، علم، جهاد و... نیز نقشی ندارد. از این رو قرآن کریم جمیع فرزندان آدم(ع) را مشمول این تکریم معرفی کرده است: و لقد کرّمنا بنی آدم... پس انسان‌ها در حقیقت مشمول تکریم اجباری می‌شوند (جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مفرّبان، صص ۲۷۳-۲۷۲ به نقل از: صادق‌پور، ۱۳۸۶ صص ۵۵-۵۴).

ب - کرامت اکتسابی

مقصود از کرامت اکتسابی، حصول به کمالاتی است که انسان در پرتو تقوا، ایمان و عمل صالح خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت، منبعث از تلاش انسان بوده و معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوندی است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست (صادق‌پور، ۱۳۸۶، ص ۵۵). همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند. آنچه مورد توجه قرآن کریم است، تفاوت مراتبی است که از تقوا نشأت می‌گیرد: ان اکرمکم عندالله اتقیکم (حجرات، ۱۳/۴۹). این نوع از کرامت با کرامت ذاتی انسان متفاوت است. نوع اخیر کرامتی بود که همگان از آن متنعم‌اند و نمی‌تواند ملاک ارزش‌گذاری انسان‌ها باشد. از این‌رو ملاک تفاوت درجات انسان‌ها از یکدیگر و به بیان دیگر، ملاک قرب و بُعد از ذات اقدس الهی که در نتیجه، تفاوت در میزان تمتّع از کرامت الهی را به همراه خواهد داشت، باید به نحو کاملاً اختیاری باشد تا انسان‌ها با تکیه بر

همت و مجاهدت خود آن را تحصیل نمایند. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى). از آنجا که همت‌های آدمیان متفاوت است، بالتَّبَع، کرامتی که انسان‌ها کسب می‌کنند نیز متفاوت است (سلیمی زارع، قاضی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

۴-۱- گسترده کرامت انسانی

در صورتی که عقل انسان تحت ایمان، تقوا و عمل صالح قرار گیرد آنگاه است که این انسان، شایستگی پیدا می‌کند که قدم در مسیر تکاملی الی الله و فنا در ذات حق تعالی گذاشته و با تلاشی گسترده به جایی برسد که حتی ملائکه مقرب درگاه الهی هم نتوانستند پا در آن رتبت گذارند. این روح که پستی محدوده عالم طبیعت و اعتبارات آن را کنار گذاشته و در واقع منزّه از هر دنائت شده، روح کریم است. لذا محدوده کرامت انسانی تنها متوجه همین کرامت ذاتی و تکوینی نیست، بلکه وسعتی دارد که تا حد اعلائی کرامت اکتسابی را هم دربر دارد. خدای سبحان به انسان‌ها درس کرامت می‌دهد. توشه راه کرامت را هم تقوا تعیین نموده است. چون تقوا مایه کرامت است و برای تقوا حد معینی نیست بنابر آنچه خداوند در سوره تغابن آیه ۱۶ می‌فرماید: فاتقوا الله ما استطعتم، یعنی به اندازه استطاعت خود، مایه کرامت خویش را فراهم نموده و باتقوا باشید و چون انسان می‌تواند به مقامی برسد که فرشتگان در پیشگاه او خضوع کنند: فسجد الملائكة كلهم اجمعون (حجر، ۳۰/۱۵) و اگر به جایی نرسد که فرشتگان برای او سجده کنند، لا اقل او را مورد تحیت و سلام قرار دهند. به استقبال او آمده و فتح ابواب جنت کنند: سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین (زمر، ۷۳/۳۹). بنابراین کرامت حدی ندارد، چون تقوا که اساس کرامت است، محدود نیست (صادق‌پور، ۱۳۸۶، صص ۵۵-۵۶).

ولی با این وجود، بحث از کرامت انسانی در این مقاله سخن از ذاتیات انسان و رتبتی است که این موجود در عالم تکوین دارد نه جایگاهی که با عقاید و اعمال کسب می‌شود. تلاش و مجاهدت برای کسب مقامی برتر در پیشگاه خداوند، فرع بر مقام تکوینی انسان است. سخن این است که انسان بماهو انسان و با توجه به ذاتیات و فطریاتی که دارد، از سایر موجودات (حداقل در عالم ماده و طبیعت) ممتاز می‌باشد و بر آنها تفوق دارد و این تفوق ابنای بشر بر سایر مخلوقات، آثار و نتایج مهم و غیرقابل تخصیص و نسخی دربر خواهد داشت که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا خدای سبحان که برای آدم (ع) آن مقام با عظمت را قرار داد و او را در ذات خود گرامی داشت آیا نسل او را هم از آن حرمت خاص بهره‌مند ساخته یا نه؟ از آیات قرآن برمی‌آید که این کرامت ذاتی انسانی است و اختصاص به حضرت آدم ندارد. به عنوان مثال: گفتار شیطان این است: «هو الذی کرّم علی» یعنی این موجودی را که بر من گرامی داشتی و امر کردی که او را سجده کنم، من در برابر این امر، تمرّد کردم و مشمول قهر تو شدم، ولی ذریه او را گمراه می‌کنم. از این آیه کریمه استفاده می‌شود: آنکه مکرّم است، تنها شخص آدم (ع) نیست، بلکه مقام انسانیت است که مکرّم است و هر شخصی حائز این مقام شد، گرامی است. از آیات ۷ تا ۹ سوره سجده نیز می‌توان استفاده کرد که فرزندان آدم از روح الهی برخوردارند: الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین. ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین. ثم سواه و نفخ فیه من روحه... (سجده، ۷/۹). اگر چه در این آیات مبارکه این نفخ روح به آدم نسبت داده شده، ولی قبل از مسأله افاضه روح، مسأله نسل را مطرح کرده و فرموده است: اصل انسان از طین است. نسل انسان از ماء مهین است. یعنی نسل

آدم همه مثل آدم (ع) از روح الهی متمتع است و مایه کرامت آدم و نسل آدم، همان روح الهی است و چون خداوند این روح را به انسان عطا نموده، فرموده است: فتبارک الله احسن الخالقین (مؤمنون، ۱۴/۲۳). بنابراین می توان نتیجه گرفت که نوع انسان کریم است و کرامت او هم فقط به خاطر روح انسانی اوست. یعنی اولاً کرامت انسان در مقام انسانیت است و ثانیاً این کرامت مخصوص حضرت آدم (ع) نیست، بلکه برای همه انسانهاست (صادق پور، ۱۳۸۶، ص ۵۷). به راستی که این طرز تلقی از ابنای بشر و محدوده کرامات آنها بهترین حافظ کرامت آنها خواهد بود (بی نا، ص ۱۴۵). بر همین اساس است که برخی از فقهای روشن ضمیر، با تفسیری عارفانه و منطقی از مجموعه احادیث و آیات و سنت نبوی قائل به طهارت ذاتی تمام انسانها هستند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵، صص ۱۶۲-۱۵۶).

۲- کرامت انسانی از دیدگاه ادیان الهی

۲-۱- کرامت انسانی از دیدگاه یهود

طرح موضوع اخلاق یهودی مسائل و مشکلات متعددی را به دنبال دارد.^۷ برخی از این مسائل جزء لاینفک و لازمه ذاتی هر نوع مکتب اخلاقی است و برخی دیگر منحصر به اخلاق یهودی است.^۸ عده ای از متفکران یهودی معتقدند که اخلاق یهودی اساساً از اخلاق و منطق کانت مستقل و مجزاست. لکن عده دیگری معتقدند که اخلاق یهودی کاملاً تابع اخلاق کانتی بوده، هست و باید باشد.^۹ به عقیده آنان، میزان اهمیت قائل شدن افراد نسبت به رفتارهای اخلاقی، تابع میزان ارزش گذاری آنان از ماهیت و ذات انسانی است. از آنجا که در آیین یهود، عقیده بر این است که انسان بر صورت الهی خلق شده است (سفر پیدایش ۱: ۲۷) کیفیت قضاوت و ارزیابی آنها از ذات انسان به مقدار معتنا بهی تابع نحوه قضاوت آنها

نسبت به ذات الهی است. در دین یهود، مضمون اخلاقی خلق انسان به صورت خدا، دو موضوع را ایجاد کرده است: اولی قوانین اخلاقی خاص نظیر این که «هم‌نوعت را مانند خودت دوست دار» (لاویان ۱۹:۱۸) زیرا او نیز مانند تو به صورت خدا خلق شده است و دیگری، محتوای عام و فراگیر تورات؛ امری که بخصوص در مورد پیامبران باستانی نظیر اشعیا، ارمیا و حزقیل کاملاً روشن است (کلنر، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶ و ۲۴۰-۲۴۶).

از آنجا که انسان به صورت خداوند خلق شده، کسب والاترین درجه ممکن از کمال و خودشناسی در این است که خود را حتی الامکان، متشبه به خداوند گرداند. این معنا را می‌توان اساس و شالوده مهم‌ترین اصل اخلاقی تورات، یعنی تقلید کردن از خدا^{۱۱} دانست. در آیاتی چند از تورات، به اصل اخلاقی فوق اشارتی شده است که برای نمونه برخی از آنها را ذکر می‌کنیم: «شما همگی مقدس هستید؛ زیرا من به عنوان پروردگار شما، مقدس‌م». (لاویان ۱۹:۲) «پروردگار، تو را برای انسان‌هایی مبعوث کرد که در نزدش مقدس هستند؛ به شرط این که همان‌گونه که به تو سوگند یاد کردند، فرمان‌های او را اجرا کنند و در مسیر او قدم بردارند (تثینه ۹:۲۹). در این آیات، درباره موضوع بحث ما، دو دستور صریح و روشن وجود دارد: یکی مقدس و پاک شدن انسان به دلیل مقدس‌بودن خداوند است و دیگری ضرورت طی طریق در راه خدا و متابعت از او (کلنر، ۱۳۸۲، ص ۲۴۱). النهایه به نظر می‌رسد در آیین یهود هم با توجه به قداست والایی که برای نوع انسان قائلند او را کریم دانسته و بالتبع هر کاری که سبب نقض کرامت و قداست انسان بماهو انسان شود به موجب مضامین اخلاقی یهود نیز مذموم و محکوم و مطرود خواهد بود.

۲-۲- کرامت انسانی از دیدگاه مسیحیت

ریشه‌های اخلاق مسیحی را در تورات و بعد از آن در تعالیم حضرت عیسی (ع) در چهار سفر اول عهد جدید می‌توان یافت. سایر آموزه‌های اخلاقی مسیحی را می‌توان در الواحی که موسی (ع) آنها را در کوه طور یافت جستجو کرد. بدون تردید، از اهم منابع فعلی اخلاق مسیحی، کتاب مقدس است، اما امروزه برای مطالعه در باب اخلاق مسیحی باید به بخش‌های تفسیری کتاب مقدس نیز مراجعه کرد. ارکان اخلاق مسیحی در هفت عنوان مرتب شده؛ چهار عنوان شامل ارزش‌های طبیعی است و سه مورد دیگر ارزش‌های الهیاتی است که با عنایات ویژه الهی تحقق می‌یابد. ارزش‌های طبیعی (زهد، اعتدال، شجاعت و عدالت) به آموزه‌های فلسفی سقراط و افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. عالمان اخلاق مسیحی، مانند آگوستین و توماس آکوئیناس، این چهار اصل را عقلانی یافته‌اند. مسیحیت به این چهار ارزش طبیعی سه اصل الهیاتی دیگر نیز افزوده است: ایمان، امید و عشق (کتاب مقدس، بخش اول سوره ۱۳، آیه ۱۳ به نقل از: بی نا، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

اصطلاح کرامت انسانی اگرچه بیشتر در عصر روشنفکری شایع شد، ولی مفهوم آن ریشه‌ای کهن در مکاتب فلسفی و سنن مذهبی دارد. در مسیحیت مبنای کرامت انسان را نظریه «*imago Dei*» می‌دانند. در آیه ۲۶ از کتاب اول سفر پیدایش تورات آمده است که: «خدا انسان را به صورت خود آفرید.» به عقیده توماس آکوئیناس، فیلسوف مسیحی، این صورت از آن جهت است که انسان دارای روح مجرد و موهبت عقل و اراده آزاد است، که به او امکان شناخت مستقیم و عشق ورزیدن به خدا را می‌دهد. ریشه دیگر کرامت انسانی در این است که شخص انسانی مأمور است که به عنوان فرجام نهایی خود در جهت اتصال و اتحاد شخصی با خدا باشد. این به معنی آن است که مشیت الهی خاصی نسبت به آحاد

ابنای بشر وجود دارد که در مورد مخلوقات مادون، که قابل چنین اتحاد بی‌واسطه‌ای با خدا نیستند، صادق نیست. بنابراین، چون حیات هر کس را خدا به مشیت خود بدین نحو تنظیم کرده است و هیچ مخلوقی، اعم از پادشاه یا دولت یا گروه انسانی دیگری، حق ندارد در این نظم الهی خللی وارد نماید و انسان‌ها را ابزاری برای رسیدن به اهداف خود قرار دهد (نوریس کلارک به نقل از: صادقی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۲-۱۲۱).

در برخی موارد مانند شبیه‌سازی انسان، بیشترین مخالفت با آن از طرف گروهی از علمای مسیحی ابراز شده است، زیرا آنها معتقدند همه انسان‌ها کرامت دارند و انعکاسی از باری تعالی هستند، اما شبیه‌سازی موجب هتک حرمت این کرامت می‌شود. زیرا انسان‌های شبیه‌سازی شده، انعکاس انسان‌های موجود هستند^{۱۱} (بی‌نا، ۱۳۸۱، ص ۳۷). واتیکان تولید اولین نوزاد شبیه‌سازی شده را بیانگر نوعی باور وحشیانه دانست که فاقد اصول اخلاقی و انسانی است (پورقهرمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳). آیین کاتولیک با اجرای برخی از دستاوردهای مهندسی ژنتیک درباره انسان سرسختانه مخالف است و آن را ناقض کرامت و شأن انسانی می‌داند. یکی از بدیع‌ترین دستاوردهای این عرصه، امکان استفاده از تکنیک انتقال هسته سلول پیکری^{۱۲} یا شبیه‌سازی درباره انسان است. کلیسای کاتولیک استفاده از این تکنیک را تحت عناوینی چون شبیه‌سازی درمانی یا انسانی مغایر با آموزه‌های اصلی کتاب مقدس و اخلاق مسیحی می‌داند. از مهم‌ترین دلایل مخالفت با شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک، نقض کرامت انسانی معرفی شده است. این اشکال براساس نگرش انسان‌شناختی کلیسای کاتولیک درباره جایگاه انسان در نظام هستی قرار دارد. همان‌طور که در داستان آفرینش دیدیم، انسان همانند و بر صورت خداوند است و با دیگر موجودات هستی تفاوت دارد. نظام

طبیعت زیر سلطه او قرار دارد، زیرا او همانند خداوند است. در متون مختلف مسیحی بر این جایگاه خاص و بی بدیل تأکید می‌شود. برای مثال، پاپ ژان پل دوم در رساله انجیل حیات، با استناد به آیاتی از ابواب آغازین سفر پیدایش، نتیجه می‌گیرد که انسان بر طبیعت سروری و تسلط دارد و این تسلط به دلیل آن است که وی مشابه و بر صورت خداوند آفریده شده و حیات انسانی، ضروری است (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۸۵). البته قاطبه متدینان مسیحی نیز آن را تهدیدی علیه کرامت انسانی قلمداد کرده و خواستار منع آن شده‌اند (اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۵۶-۵۵).

ژاک شیراک و فرانسوا میتران، رؤسای جمهوری سابق فرانسه، شبیه‌سازی انسان را یک اقدام جنایت‌کارانه خواندند و خواستار ممنوع شدن آن در سطح جهان شدند. آنها این عمل را مخالف حیثیت و شرافت انسانی و از نظر کشور فرانسه، محکوم کردند. حتی جرج بوش، رئیس جمهور سابق آمریکا نیز شبیه‌سازی را کاری اشتباه دانسته است (خرمی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸).

۲-۳- کرامت انسانی از دیدگاه اسلام

در منابع اسلامی، کرامت انسانی با صراحت بیشتری مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم^{۱۳} با کمال صراحت می‌فرماید: «و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً» (سوره اسراء، آیه ۷۰). مفسران مصحف شریف، از جمله علامه طباطبایی (ره) تصریح می‌کنند که: مراد از بنی آدم در این آیه جنس بشر است، صرف‌نظر از کرامات خاصه و فضائل روحی و معنوی که به بعضی اختصاص داده است. لذا این آیه مشرکین و کفار و فساق همه را شامل می‌شود. هر یک از دو کلمه تفضیل و تکریم ناظر به یک دسته از مواهب الهی است که به انسان عطا شده؛ تکریمش به دادن عقل است که به هیچ موجودی دیگر عطا نشده است و انسان به

وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر تمیز می‌دهد و تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که آن چه را به آنها داده از هر یک سهم بیشتری به انسان داده است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، صص ۲۶۳-۲۶۱). بنابراین همه افراد انسانی باید این کرامت و حیثیت را برای همدیگر به عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۸۰).

انسان سرور زمین و عهده‌دار نقش اول در قرآن است و همه اشیایی که در زمین وجود دارد برای او و هرگونه تغییر و تبدیلی به دست اوست. چنین تمایزی سبب می‌شود که انسان، گرامی‌تر و عزیزتر از همه اشیاء مادی باشد. قرآن کریم ساختار وجودی او را بهترین ساختار وجودی دستگاه خلقت می‌داند و می‌فرماید: و لقد خلقنا الانسان فی أحسن تقویم (تین، ۴/۹۵). و خداوند همه مواهب زمین را برای او آفریده و او را به عنوان نماینده و جانشین خود در زمین قرار داده است: انی جاعل فی الارض خلیفه (بقره، ۳۰/۲). و از همین روی، در بین تمام آفریده‌های جهان، او را با کرامت خاص، مقامی بی‌بدیل عطا نموده و فرموده است: و لقد کرمنا بنی آدم (اسراء، ۷۰/۱۷). آدمی خلیفه خدا در زمین و عهده‌دار شکوفاسازی امانتی است که در بطن ضمیرش جای دارد. انسان دارای ظرفیت بی‌حد و استعداد بی‌نهایت و خواهان رسیدن به لا یتناهی است (صادق‌پور، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

در متون اسلامی روح انسان به منزله یک شیئی نفیس تلقی شده و اخلاق خوب به عنوان اشیاء متناسب با این شیئی نفیس و اخلاق رذیله به عنوان اشیاء نامتناسب با این شیئی نفیس که آن را از ارزش می‌اندازد، تلقی شده است. در این تعبیر، انسان دارای یک سرمایه بسیار پر ارزش تلقی شده که آن همان خود اوست و به انسان می‌گویند مواظب باش که این خود (یعنی مبنای کرامت خویش را) از دست ندهی یا نیالایی، زیرا این «خود» بسی ثمین و نفیس است.

امیرالمؤمنین (ع) در نامه ای خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: ^{۱۴} نفس خویش را از هر پستی بزرگ بدار، برتر بدار آن چه که از نفس خود بیازی عَوْض ندارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۴). ^{۱۵} نفس خود - یعنی انسانیت خود - را نیاز که آن، یگانه گوهری است که آن را با هر چه معاطات یا معامله کنی غبنی فاحش است. تعبیر، تعبیر نفیس و ثمین بودن (کرامت انسان) است و اینکه این عطیه با ارزش را که مافوق هر ارزشی است نباید از کف داد که بعد از آن به سوگش نشستن را اثری نشاید.

انسان در بطن ذات خود حقیقتی دارد که اصلاً حقیقت اصلی ذات، اوست، او همان چیزی است که قرآن از او به بیان: فَأَذًا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (حجر، ۲۹/۱۵). تعبیر می‌کند؛ یعنی یک حقیقتی است نه از سنخ ماده و طبیعت بلکه از سنخ ملکوت و قدرت، و از سنخ عالمی دیگر. به آن «خود» توجه کردن یعنی حقیقت انسانیت را درک و شهود کردن. وقتی انسان به او توجه می‌کند، آن را به عنوان حقیقت محض درمی‌یابد، چون جوهر او، جوهر حقیقت است و با باطل و ضد حقایق سر سازگاری ندارد.

بنابراین، توجه به «من» به عنوان یک فرد که الان دارم زندگی می‌کنم در مقابل افراد دیگر، یا به قول عرفا «من» به عنوان یک تن و آن چه از شئون این تن است: خوردن و خوابیدن، شهوات جنسی و هر آنچه که مربوط به حیات دنیوی این تن است (آری، توجه به «من» به این عنوان مذموم است و قبیح و) باید به چشم دشمن به آن نگریست. ولی آن «من» که تحت عنوان عزت نفس، قوت نفس، کرامت نفس، شرافت نفس و حریت نفس از او یاد شده، دیگر من و ما در آن وجود ندارد. او همان جوهر قدسی الهی است که در هر کسی هست و لزومی ندارد که کسی آن را به کسی تعلیم دهد. پیامبر مکرم اسلام (ص) اساس

رشد و اصلاح امت را بر پرورش و ایجاد کرامت و عزت نفس در آنان می‌دانست و همواره کرامت در نگاه، رفتار، گفتار و در برخوردهای ایشان اظهر من الشمس بود (فرهادیان، بی‌تا، ص ۱۱). امام هادی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «هر کس نفس خویش را پست بداند، از شر وی ایمن مباش» (تحف العقول، ص ۵۱۲ به نقل از: مویدنیا، بی‌تا، ص ۷۵۱). هر کسی اگر به ذات خود مراجعه کند، عیاناً می‌بیند یک سلسله صفات با او متناسب است و یک سلسله صفات را دون شئون خود و پستی و حقارت می‌داند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷).

بنابراین تضاد و منافاتی میان این دو تعبیر نیست که از طرفی به ما دستور مجاهده نفس و تزکیه نفس داده‌اند و نفس را به این شکل معرفی کرده‌اند که: *واجعل نفسک عدوّاً تُجاهدُهُ* (وسائل الشیعه، ۱۲۳/۱۱) به نفست به چشم یک دشمن بنگر که با او مبارزه می‌کنی، و از طرف دیگر می‌گویند نفست را بشناس، نفس خودت را محترم بدار، مکرم بدار، عزتت را حفظ کن، کرامتت را حفظ کن. این آن گوهر شریف انسانیت است که یک حقیقتی است و در هر کسی این بارقه الهی وجود دارد (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷).

حق تبارک و تعالی با عنایت و رحمت خود، به ید قدرت خود، طینت آدم اول را مخمر فرمود: (خمرت طینة آدم بیدی اربعین صباحا). بنابراین، بنی آدم در میان سایر موجودات عالم، از یک خصیصه برخوردار شده و به خاطر همان خصیصه است که از مابقی موجودات جهان امتیاز و کرامت یافته است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۲۱۵).

امام علی (ع) ارزش انسان را به حدی رفیع و والا معرفی می‌کند که حتی تمام دنیا هم نمی‌تواند قیمت او باشد: «آیا آزادمردی نیست که این لقمه جویده دنیا را به اهلش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس خود را به

کم‌تر از آن مفروشید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۶).

مضافاً اینکه آن امام همام در نامه‌ای به فرمانروای مصر (مالک اشتر)، ضمن ارائه راهکارهای حصول جامعه به سعادت و کرامت، به او سفارش می‌کند که کرامت انسان‌ها (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) را به نحوی حفاظت کن که دوست داری با تو چنان برخورد شود، مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). شاید به همین جهت است که در مباحث حقوقی مطروحه توسط مولا، بیش از هر چیز به حقوق شهروندی اهتمام شده است (صالحی، ۱۳۹۰، صص ۲۲۰-۲۱۹). چنانکه به وضوح، دغدغه لگدکوب شدن کرامت انسان را در گفتار و سیره آن مادون خدا و فوق بشر می‌بینیم (معادی‌خواه، بی‌تا، ص ۱۲).

انسان از دیدگاه اسلام دارای شخصیت و کرامتی است که او را در رفیع‌ترین منزلت در میان پدیده‌های هستی قرار داده؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان عطا کردیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء، ۷۰). در آیه دیگری فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ ما انسان را در احسن تقویم (نیکوترین صورت در مراتب وجود) بیافریدیم» (تین، ۴). در آیه دیگری برای آفرینش این گل سرسبد و دردانه عالم هستی، خداوند بر خویشتن آفرین گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ بزرگ و پر برکت است

خدایی که بهترین آفرینندگان است» (مؤمنون، ۱۴). در آیه دیگری به این مطلب اشاره کرده که انسان این همه عظمت و شوکت را مرهون نعمت اراده و اختیاری است که هستی بخش عالم به او عطا کرده است. اگر این اختیار را به مسیر صحیحی هدایت نماید، می تواند به بالاترین درجات کمال انسانی برسد، در حالی که همین اراده و اختیار، او را در معرض آسیب های فراوانی قرار داده و می دهد تا جایی که انسان آفریده شده در احسن تقویم را به «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (تین، ۵) و یا به «فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» می کشاند (نساء، ۱۴۵). (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

از آیه کرامت در قرآن مجید (سوره الاسراء، ۷) و سایر تعالیم دینی استنباط می شود که کرامت و شایستگی حرمت، حالت اولیه، وضع طبیعی و زوال ناپذیر هر فرد انسانی است و هر کس در مورد این خصیصه که حق تعالی به او عطا کرده دارای وظایف اخلاقی و حقوقی است. حق کرامت در تفسیر دینی آن، همزمان صبغه تکلیف نیز دارد و مثل حق حیات که انسان در برابر حق تعالی مکلف به حفاظت از آن است، هیچ انسانی نمی تواند از حق کرامت و حرمت خویش صرف نظر نماید (محقق داماد، ۱۳۸۶، صص ۲۸-۲۹).

التهایه اینکه از منظر شرع انور اسلام کلیه انسان ها دارای کرامت ذاتی هستند که بر خود آنها لازم است که کرامت و عزت نفس خویش را حفظ نمایند و دیگران هم باید این حق والا را مراعات نمایند و به کرامت احدی لطمه ای وارد نسازند. بنابراین نوع نگاه به انسان باید فراتر از یک حیوان بیولوژیک محض باشد، زیرا انسان در نظام آفرینش حائز مقام رفیعی است و بایستی در مسیر تکامل و تقرب به هدف غایی از خلقت رهنمون شود. بر طبق این اصل باید کلیه جنبه های طبی، بخصوص تحقیقات بر روی سوژه های انسانی، در راستای افزایش این کرامت

بی‌بدیل باشد و از ورود به جنبه‌هایی که به این جنبه مهم انسانی لطمه می‌زند اجتناب شود (نورمحمدی، ۱۳۸۸، صص ۱۴۰ و ۱۴۶).

۳- کرامت انسانی از منظر اخلاق زیستی و حقوق موضوعه

در دوره معاصر، کرامت ذاتی انسان اولین بار توسط جان لاک در راستای اندیشه حقوق عینی ذاتی افراد به شکل قاعده‌مند مطرح شد اما به عقیده برخی، این مفهوم، جز در آثار کانت، هیچ‌گاه مورد تجزیه و تحلیل دقیق فلسفی قرار نگرفته و در بسیاری از آثار، حالت شعارگونه به خود گرفته است (اسپیگلبرگ، ۱۹۷۰، صص ۴۲-۴۳ و ۶۲ به نقل از: صادقی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۲-۱۲۱). از نظر کانت، انسانیت خود یک کرامت است و همه انسان‌ها به جهت انسانیت‌شان دارای کرامت ذاتی هستند. کانت در کتاب اساس مابعدالطبیعه اخلاق این مفهوم را در قالب یکی از قواعد امر مطلق^{۱۶} که تشکیل دهنده فلسفه اخلاق است، این‌گونه بیان می‌کند: چنان عمل کن که انسانیت را، چه در شخص خود چه در شخص دیگران، نه به عنوان وسیله‌ای صرف، بلکه همواره و در عین‌حال به عنوان یک غایت تلقی کنی (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴، صص ۹۱-۹۰). به نظر کانت هر انسانی حق مشروع دارد که از سوی دیگران محترم شمرده شود و به نوبه خود مکلف است که به دیگران احترام بگذارد. انسانیت فی نفسه یک منزلت است؛ زیرا موجود انسانی نمی‌تواند به وسیله انسان دیگر صرفاً به عنوان وسیله به کار رود. بلکه همیشه باید به عنوان یک غایت به کار رود (یاسپرس، ۱۳۷۲، ص ۲۰۹). علیرغم اینکه، مفهوم کرامت انسانی در هیچ یک از اسناد ملی و بین‌المللی معاصر به روشنی تعریف نشده، ولی تردیدی نیست که شناسایی کرامت ذاتی انسان قدر متیقن همه این اسناد است.

۳-۱- کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی

در غالب اسناد حقوق بشر بین‌المللی که در نیمه دوم قرن بیستم تصویب شده‌اند نظیر کنوانسیون حمایت از زندانیان جنگی و افراد غیرنظامی در زمان جنگ، معاهده منع تبعیض نژادی و تبعیض زنان، کنوانسیون پیشگیری از شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی و توهین‌آمیز و ... به کرامت انسانی اشاراتی شده است، ولی واقعیت این است که در اسناد مربوط به زیست پزشکی با تاکید بیشتری به کرامت انسانی پرداخته شده است (عباسی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۶). بعد از جنگ جهانی دوم، در واکنش به خشونت‌های بعضی از دانشمندان نسبت به اسیران جنگی، نظامنامه‌هایی برای آزمایشاتی که روی انسان‌ها انجام می‌شود، تدوین شد که مؤسس اخلاق زیستی جدید محسوب می‌شوند. در این نظامنامه‌ها دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد مورد معالجه یا آزمون در برابر مخاطرات، سوء استفاده‌ها یا بی‌مبالاتی‌هایی که ممکن است در جریان معالجات پزشکی یا پژوهش‌های علمی متوجه آنها شود، مورد توجه بوده است (عباسی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

کدهای نورنبرگ مصوب ۱۹۴۷ و اعلامیه هلسینکی مصوب ۱۹۶۴، که از مهم‌ترین این اسناد به شمار می‌روند، کرامت انسانی را مبنای قواعد اخلاقی مربوط به آزمایش و تحقیق روی انسان‌ها تلقی کرده‌اند. در این اسناد، مبنای حقوق و آزادی‌های اساسی افراد، لزوم احترام به کرامت انسانی به همان مفهومی است که مورد نظر اسناد اساسی حقوق بشر است.

به دنبال تحولات سریع و روزافزون دهه اخیر در حوزه علوم و فناوری‌های نوین زیستی، که امکان مداخله در ساختمان ژنتیکی موجودات زنده از جمله انسان را فراهم ساخته، مباحث اخلاق زیستی، خصوصاً کرامت انسانی و چگونگی صیانت از آن اهمیت و حساسیت بیشتری پیدا کرده و تدوین راهنماها و وضع مقررات

فراگیر منطقه‌ای و بین‌المللی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر یافته است. جامع‌ترین سندی که با لحاظ این جنبه تاکنون به تصویب رسیده، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و کرامت انسانی در خصوص کاربرد بیولوژی و پزشکی یا به اختصار کنوانسیون حقوق بشر و طلب زیستی است که در سال ۱۹۹۷ به تصویب شورای اروپا رسید. (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷). با لحاظ مقدمه و مواد مختلف این کنوانسیون به نظر می‌رسد مفهوم کرامت انسانی در این سند ابعاد وسیع‌تری پیدا کرده است؛ مقدمه کنوانسیون، بر لزوم احترام به کرامت انسانی و حقوق اساسی و آزادی‌های افراد در ارتباط با کاربردهای علوم زیستی تأکید کرده است. ماده ۱ کنوانسیون، در بیان هدف از وضع این معاهده مقرر داشته است: طرف‌های این کنوانسیون از هویت و کرامت تمام نفوس انسانی حمایت خواهند کرد.

اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر^{۱۷} نیز که اولین سند بین‌المللی در زمینه بیولوژی است، موضوع کرامت انسانی را به نحو وسیعی مورد توجه قرار داده است؛ مقدمه این سند بر لزوم احترام به کرامت انسانی در تحقیقات مربوط به ژنوم انسان تأکید می‌کند. ماده ۲ که متضمن نکته اصلی این بخش از اعلامیه است، مقرر می‌دارد: الف) هر کس حق دارد بدون توجه به صفات ژنتیکی او، کرامت و حقوقش محترم شمرده شود. ب) کرامت مستلزم این است که شأن افراد به خصائص ژنتیکی آنها تنزل نیابد و وحدت و تنوع آنها محترم شمرده شود. علاوه بر موارد فوق در هفت ماده دیگر هم به کرامت انسانی اشاره شده است: منع تبعیض براساس صفات ژنتیکی که موجب نقض کرامت انسانی است (ماده ۶) لزوم احترام به کرامت انسانی افراد، یا حسب مورد، صیانت از کرامت گروه‌هایی از مردم که در تحقیق یا اجرای تحقیقات مربوط به ژنوم انسانی شرکت می‌کنند (ماده ۱۰)، منع اعمالی نظیر شبیه‌سازی مولد انسان به علت مغایرت آن با کرامت

انسان، انجام اقدامات مناسب جهت ایجاد چارچوب تحقیق آزاد درباره ژنوم انسان به طریقی که احترام کرامت انسانی تضمین شود (ماده ۱۵)، ایجاد زمینه‌هایی برای افزایش آگاهی‌ها نسبت به مسئولیت‌های راجع به مسائل اساسی مربوط به دفاع از کرامت انسانی ناشی از تحقیق در ژنتیک انسانی و نظایر آن (ماده ۲۱) و نهایتاً الزام کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی یونسکو به ارائه مشاوره در مورد مفاد این اعلامیه، بخصوص در مورد شناسایی و معرفی اعمالی که مغایر با کرامت انسانی است (ماده ۲۴) (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

مواد ۵، ۷ و ۱۰ اعلامیه یونسکو بر مبنای احترام به کرامت انسانی می‌باشند. مثلاً ماده ۱۰ برآیند مستقیمی از کرامت انسانی را مقرر داشته است زیرا در این ماده چنین مقرر شده است که: هیچ تحقیقی ... نباید بر احترام به حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و کرامت انسانی مرجح گردد. این مهم در ماده ۵ اعلامیه هلسینکی ۱۹۶۴-۲۰۰۰ انجمن جهانی پزشکان نیز مقرر شده است.

اعلامیه جهانی اطلاعات ژنتیکی انسان مورخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ نیز، که به منظور مراقبت از کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های اساسی انسان در جمع‌آوری، پردازش، استعمال و ذخیره اطلاعات ژنتیکی و نمونه‌های بیولوژیکی انسانی تصویب شده (ماده ۱)، ضمن یادآوری و ارجاع به اسناد اساسی حقوق بشر و اسناد متقدم اخلاق زیستی، تأکید می‌کند که هویت هر شخص نباید به خصایص ژنتیکی او تنزل یابد (ماده ۳) و اطلاعات ژنتیکی و پروتئینی انسانی نباید در جهت اهدافی استفاده شود که به قصد نقض یا مؤثر در نقض حقوق بشر، آزادی‌های اساسی یا کرامت انسانی فرد است (ماده ۷). با مذاقه در این متون روشن است که کرامت ذاتی انسان، علاوه بر اینکه مبنای شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی آحاد انسان‌ها تلقی شده، به عنوان مبنایی برای احترام به نوع انسان نیز مورد استناد

قرار گرفته است. از طرف دیگر در این اسناد احترام به کرامت انسانی، علاوه بر اینکه به عنوان مبنایی برای حقوق و آزادی اراده اشخاص مورد استناد قرار گرفته، به عنوان مبنایی برای وضع قیود و موانعی در برابر آزادی اراده افراد در مواردی که ممکن است به کرامت انسان لطمه وارد شود، شناخته شده است. به عبارت دیگر، کرامت انسانی افراد انسان، مقتضی شناسایی یک رشته حقوق برای افرادی است که مورد معالجه یا تحقیق قرار می‌گیرند. در مقابل، کرامت ذاتی نوع انسان، مقتضی برقراری یک رشته قیود و محدودیت‌ها برای معالجات و تحقیقاتی است که به نوع انسان مربوط می‌شود. در واقع تنظیم کنندگان این قبیل اسناد به مفهوم اسلامی کرامت انسانی نزدیک شده‌اند، زیرا کرامت ذاتی انسان را ذوجنبتین - هم حق و هم تکلیف - دانسته‌اند در حالی که در اسناد سابق الصدور چنین امری بدین صراحت مشهود نبوده است.

۲-۳- کرامت انسانی در اسناد مربوط به شبیه‌سازی انسانی

نگرانی‌های فزاینده نسبت به تلاش‌هایی که در چند سال اخیر برای شبیه‌سازی انسان صورت گرفته است، مراجع بین‌المللی و منطقه‌ای را بر آن داشت تا با صدور قطعنامه‌ها و اعلامیه‌هایی مانع این اقدامات شوند و درصدد تدوین و وضع معاهدات لازم‌الاجرا در این خصوص برآیند. در اکثر این اسناد، شبیه‌سازی مولد انسان به لحاظ مغایرت آن با کرامت انسانی تقبیح و منع شده است. در قطعنامه‌های مصوب سازمان جهانی بهداشت در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، تصریح شده است که: شبیه‌سازی به منظور نسخه برداری از افراد انسان از نظر اخلاقی غیرقابل قبول و مخالف با کرامت و تمامیت انسانی است.

شاید دلیل اصلی تمایل شدید به کرامت انسانی در این واقعیت نهفته باشد که تعبیر مزبور به منزله آخرین مانع در برابر تغییر برخی از خصایص بنیادین بشری

تلقی می‌شود که نوع انسان بر اثر فناوری‌های نوین زیست پزشکی نظیر شبیه‌سازی یا مهندسی ژنتیک با آن مواجه شده است (عباسی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). در پروتکل منع شبیه‌سازی انسان^{۱۸} نیز همانندسازی مولد انسان به علت نقض کرامت انسانی ممنوع اعلام شد.^{۱۹}

گزارش توضیحی پروتکل نیز در تشریح این سند می‌گوید: ... دلیل دیگر برای منع شبیه‌سازی انسان، اولاً و بیش از هر چیز دیگر، مبتنی است بر کرامت انسان که با تبدیل به ابراز کردن از طریق شبیه‌سازی مصنوعی انسان به مخاطره افتاده است (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲).

اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو، مصوب سال ۱۹۹۸ مجمع عمومی ملل متحد نیز، اعمالی مانند شبیه‌سازی مولد انسان را که با کرامت انسانی مغایرت دارند، غیرمجاز دانسته است. اعلامیه یونسکو در مواد ۱۱ و ۲۴ شبیه‌سازی مولد انسان^{۲۰} و مداخلات سنخ ارثی^{۲۱} را متباین با کرامت انسانی دانسته است (سابالارو، ۱۳۸۲، ص ۳۱). اعلامیه ملل متحد درباره منع شبیه‌سازی انسانی، شبیه‌سازی انسان را تا حدی که با کرامت انسانی و حفاظت از حیات انسان مغایر است، ممنوع دانسته است. زیرا شبیه‌سازی، شکلی نوین از ابزارانگاری انسان است، بنابراین عملی مخالف با کرامت انسانی است. این اعلامیه از دولت‌های عضو خواسته است که استفاده از فنون مهندسی ژنتیک را که ممکن است با کرامت انسانی مغایر باشند، منع کنند (عباسی، ۱۳۸۶، ص ۷۰؛ صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳).

۳-۳- کرامت انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر

از آنجا که پیشرفت‌های علمی حدی نمی‌شناسند، همکاری بین‌المللی مستلزم

منطبق‌سازی معیارهای حقوقی و ایجاد سازوکارهای متناسب برای تضمین اعمال مؤثر این قبیل معیارها است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، اهمیت و لزوم مراعات حیثیت و کرامت بشری را صراحتاً در موارد ذیل متذکر شده است:

۱- پاراگراف اول از مقدمه که عوامل و انگیزه‌های وضع و تدوین حقوق بشر را مطرح می‌کند. «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان براساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد...». ۲- ماده اول: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند. ۳- ماده پنجم: احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. ۴- بند دوم ماده بیست و ششم: آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. از این موارد و جملات مقدمه به خوبی روشن است که حق کرامت و حیثیت و شرافت انسانی از اساسی‌ترین حقوق بشر است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۹۷).

در اسناد مهم بین‌المللی که مؤسس و مولد فرهنگ حقوق بشر در دنیای معاصر به شمار می‌روند، کرامت ذاتی انسان زیربنای حقوق و آزادی‌های اساسی انسان‌ها تلقی شده است. در مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر، کرامت انسانی به کرات به عنوان مبنای حقوق مورد تصریح قرار گرفته است. در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز ضمن تکرار عبارت مندرج در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصریح شده است که حقوق مندرج در این دو میثاق منشعب از کرامت ذاتی انسان است.

ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی رفتار توأم با احترام به کرامت ذاتی کسانی که از آزادی خود محروم شده‌اند، از قبیل متهمان و زندانیان را لازم شمرده است (ماده ۱۰). بنابراین می‌توان گفت از نظر اسناد مذکور، کرامت انسانی مبنای حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است که به دو صورت تجلی پیدا می‌کند: حق احترام به کرامت فرد و حق تمتع هر فرد از شرایط لازم برای شکوفا شدن استعدادهایش.

۴-۳- کرامت انسانی از دیدگاه حقوق موضوعه

اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام بیان مبانی و زیرساخت‌های نظام حکومتی که در اصل اول از آن به عنوان جمهوری اسلامی ایران یاد شده، شش اصل و مبنا و زیرساخت را بیان کرده که اصل و مبنای ششم آن کرامت انسانی است. اصل دوم قانون اساسی مقرر داشته است: «جمهوری اسلامی ایران نظامی است برپایه ایمان به: ... ع- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا ...» (مهرپور، ۱۳۸۵، ص ۲۸). البته مقدمه قانون اساسی نیز در بخش وسایل ارتباط جمعی متعرض کرامت ابناء بشر شده است.

رعایت کرامت اسلامی و انسانی به عنوان بخشی از وظایف اخلاقی و قانونی حرف پزشکی و وابسته در موارد متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. برای مثال، در تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵ آمده است که: «عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات صنفی و حرفه‌ای و شغلی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی به وسیله شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب و... به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردند».

به همین دلیل است که «شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته مکلف‌اند بدون توجه به ملیت، نژاد، مذهب و موقعیت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی بیماران، حداکثر تلاش ممکن را در حدود وظایف قانونی و حرفه‌ای خود به کار ببرند».^{۲۲} ماده ۷ قانون اخلاق پزشکی فرانسه^{۲۳} و نیز ماده ۲۳ قانون اخلاق پزشکی ایالت کبک نیز صراحتاً متعرض این مهم شده‌اند.^{۲۴}

در ماده ۳ قانون تشکیل وزارت بهداشت مصوب ۱۳۶۴/۴/۹ مقرر شده است که: «این وزارت موظف است ارزش‌های اسلامی را در کلیه امور پزشکی و بهداشتی و درمانی کشور تحکیم و تثبیت نماید». همچنین در بند ۶ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۰/۹/۱۱ به یکی از اهداف سازمان که «تلاش در جهت اجرای موازین و ارزش‌های اسلامی در بخش حرف پزشکی و وابسته» می‌باشد تصریح شده است. ماده ۲ قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ در این مورد مقرر می‌دارد: «در اجرای ماده ۳ قانون تشکیل وزارت بهداشت مصوب ۱۳۶۴/۴/۶ این وزارتخانه موظف است به منظور انطباق امور درمانی بهداشتی و آموزش پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تدوین آیین‌نامه اجرایی جهت عملی نمودن انطباق امور مذکور با موازین شرع مقدس را به انجام رساند». بدون تردید یکی از ارزش‌ها و موازین مهم اسلامی، کرامت انسانی است که در اصل دوم قانون اساسی صراحتاً مقرر شده است. عنوان موازین شرعی که در مواد فوق‌الذکر به کار رفته بسیار کلی است و حدود و ثغور آن تاکنون به نحو جامع و مانع تبیین نشده است. ولی در برخی موارد تعیین موارد آن ساده به نظر می‌رسد.

در تبیین اجمالی کرامت ذاتی انسان در ارتباط با خصیصه انسانی بودن قرارداد درمان این نتیجه حاصل می‌شود که نظریه عقد غیرمعین، برای ماهیت قرارداد

درمان، بهترین نظریه است (صالحی، الماسی، ۱۳۹۰) و یکی از اوصاف مهم قرارداد درمان این است که عقد مزبور یک عقد انسانی است (الحیاری، ۱۴۲۹ ه.ق، ص ۶۹؛ الجمیلی، ۱۴۳۰ ه.ق). به همین جهت در تفسیر و اجرای مفاد قرارداد درمان بایستی کرامت انسانی را بسیار ملحوظ قرارداد (ساواتیر، ۱۹۵۶، ص ۲۱۲ و کورن پروبوست، ۱۹۵۷، ص ۸۵۷) و به انسان بسان یک حیوان بیولوژیک نگاه نکرد و در تمام مراحل درمان و از همه مهم تر در تفسیر قرارداد مزبور و هنگام بروز اختلاف، کرامات انسانی را مطمع نظر قرار داد. در قوانین اخلاق پزشکی فرانسه، کبک و تونس نیز به موجب مواد ۲، ۲۵، ۴، ۲۶ و ۷ صراحتاً به موضوع لزوم حفظ کرامت انسانی در امور پزشکی پرداخته شده است.

نتیجه

انسان اشرف مخلوقات، دردانه کائنات و شاخص ترین گوهر آفرینش است.

آنچنان که حق تعالی بعد از شرح حدیث خلقت انسان و سیر تکاملی او به خود «احسن الخالقین» گفته، تعبیری که در خصوص خلق مابقی خلایق استعمال نشده است. حق کرامت در تفسیر دینی آن، هم زمان صبغه تکلیف هم دارد و مثل حق حیات که انسان در برابر حق تعالی مکلف به صیانت از آن است؛ احدی نمی‌تواند از حق کرامت خویش صرف‌نظر نماید.

اقدامات همراه با رضایت فرد نیز نمی‌تواند نافی اصل کرامت انسانی باشد، بنابراین از یک طرف انسان نمی‌تواند به نحوی از انحاء به مداخلات ژنتیکی و شبیه‌سازی و امثال آن که کرامت او را مخدوش می‌کند رضایت دهد و از طرف دیگر مابقی افراد نیز به استناد رضایت حاصله، مجاز به ارتکاب هر نوع اعمالی که منجر به نقض کرامت انسانی شود نیستند. به عبارتی هیچ انسانی نمی‌تواند از حق کرامت و حرمت خویش صرف‌نظر نماید. در واقع اصل رضایت با تمام اهمیتی که از لحاظ حقوقی دارد محکوم به اصل کرامت انسانی است و این تقییدی است که در بسیاری از موارد، حدود و ثغور، محدوده و اطلاق و عموم اصل رضایت آگاهانه، اتونومی و امثال آن را تضییق می‌کند. به عبارت ساده‌تر در صورت تعارض اصل کرامت انسانی و سایر اصول نظیر: رضایت آگاهانه، اتونومی و امثال آن، جمع آنها این‌گونه خواهد شد که رضایت آگاهانه، اتونومی و غیره در صورت عدم تغایر با کرامت انسانی معتبر خواهند بود و به همین سبب است که می‌توان آن را فصل‌الخطاب اندیشه‌های فقهی حقوقی و اخلاقی دانست. البته ممکن است معنای اخیر از کرامت، نه تنها مقبول متبعین غیر از اسلام قرار نگیرد، بلکه در تنافی با اندیشه‌های اومانیستی نیز قرار گیرد که در این مقاله فرصت پرداختن بدان میسر نشد. در حقوق داخلی نیز از آن جایی که به استناد اصل چهارم قانون اساسی^{۲۸} تمامی قوانین بایستی منطبق با موازین اسلامی باشد، لذا می‌توان نتیجه

گرفت که هر کجا در قوانین کلمه شرعی یا اسلامی را به کار برده و برای آن ضمانت اجرا نیز مشخص کرده، شامل صیانت از کرامت ذاتی انسان هم که از اصول بنیادین و مسلم اسلامی است می‌باشد. مضافاً اینکه اصل دوم قانون اساسی نیز صراحتاً متعرض این مهم شده است.

در اسناد مهم حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با توجه به زمینه‌های تاریخی این اسناد، کرامت ذاتی انسان به عنوان مبنای بسیاری از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد انسانی مورد استناد قرار گرفته است. در اسناد متقدم اخلاق زیستی مانند کد های اخلاقی نورنبرگ، اعلامیه هلسینکی و گزارش بلموت نیز که به منظور حمایت از افراد در برابر خطرات و عوارض ناشی از معالجات یا آزمایشات تدوین شده‌اند، همین رهیافت از کرامت انسانی، موردنظر بوده است. لکن در اسناد متاخر اخلاق زیستی از قبیل کنوانسیون حقوق بشر و زیست پزشکی شورای اروپا، اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو، مفهوم کرامت ذاتی انسان ابعاد وسیع‌تری یافته است. در این اسناد، کرامت ذاتی انسان علاوه بر اینکه مبنای لزوم رعایت و حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد در معاینات و تحقیقات علمی تلقی شده در مواردی مثل اصلاح ژنتیکی نژاد انسان، انتخاب جنسیت نوزاد و معامله اجزای بدن که کرامت وجود انسان در معرض لطمه و مخاطره قرار می‌گیرد، به عنوان مبنایی برای محدود ساختن آزادی اراده افراد مورد استناد قرار گرفته است و به نظر می‌رسد در این اسناد به مفهوم اسلامی کرامت انسانی توجه بیشتری شده است. در اسنادی که منع شبیه‌سازی انسان مطرح شده به نظر تدوین کنندگان این اسناد، شبیه‌سازی مولد موجب نقض کرامت انسانی است. بعضی از این جهات ناقض کرامت ذاتی انسان از بعد فردی و

بعضی دیگر، ناقض کرامت ذاتی انسان از بعد نوعی و اجتماعی آن است. النهایه اینکه بنا بر اصل کرامت انسانی تمامی جنبه‌های طبی، بخصوص پژوهش‌های انسانی باید در راستای افزایش این کرامت باشند و از ورود به فناوری‌هایی که به این جنبه انسانی لطمه وارد می‌کند بایستی اجتناب نمود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حضرت مولانا علیه‌الرحمه. مثنوی معنوی. دفتر پنجم.
- ۲- برای اطلاع بیشتر در مورد کرامت در دین مبین اسلام بنگرید به: وکیل زاده، رحیم. (۱۳۸۶). کرامت انسان در حقوق اسلام. فصلنامه علمی-ترویجی علوم اسلامی. سال دوم. شماره پنجم. بهار ۸۶. صص ۵۴-۲۳؛ حقانی زنجانی، حسین. (بی تا). کرامت، پایه و محور همه تعالیم اخلاق اسلام. مجله مکتب اسلام. سال ۳۸. شماره ۳. صص ۴۳-۳۷؛ یدالله پور، بهروز. (۱۳۸۸). معنا شناسی کرامت انسان در قرآن. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم (پیام جاویدان). سال اول. شماره دوم. بهار ۸۸. صص ۱۴۱-۱۱۹.
- ۳- یکی از علل اصلی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب، احترام به کرامت ذاتی انسان و استقلال و آزادی او معرفی شده است. برای مزید اطلاع بنگرید به: رحیمی نژاد، اسماعیل؛ حبیب زاده، محمد جعفر. (۱۳۸۷). مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی. فصلنامه حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۸. شماره ۲. صص ۱۳۳-۱۱۵.
- ۴- ابن فارس در معجم مقاییس اللغة ذیل واژه «کرم» می‌گوید: أصل صحیح له بایان، شَرَفٌ فی النَّسَبِ وَ فی نَفْسِهِ أَوْ شَرَفٌ فی خُلُقٍ مِنَ الْأَخْلَاقِ. یَقَالُ رَجُلٌ کَرِیمٌ وَ فُرْسٌ کَرِیمٌ وَ نَبَاتٌ کَرِیمٌ. کَرَمَ السَّحَابُ أَتَى بِالغَیْثِ وَ أَرْضٌ مَکْرَمَةٌ لِلنَّبَاتِ إِذَا کَانَتْ جَیْدَةً النَّبَاتِ. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰هـ، ۲/ ۴۴۰.
- ۵- الکریم إذا وصف الله تعالی به فهو اسم لاحسانه و إنعامه المتظاهر نحو قوله «إن ربی غنی کریم» و إذا وصف به الانسان فهو اسم للاخلاق والافعال المحموده التي تظهر منه، و کل شیء شرف فی بابه فإنه یوصف بالکریم، قال تعالی: «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ - إنه لقرآن کریم - وقل لهما قولاً کریماً» و إلام کریم و التکریم أن یوصل إلى الانسان إلام أي نفع لا یلحقه فی غَضاضَه، أو أن یجعل ما یوصل إليه شیئاً کریماً أي شریفاً. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، دفتر نشر الکتب، ۱۴۰۴هـ، بی‌جا/ ۴۲۹.
- ۶- عن علی (ع): من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهواته. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۲/ ۴۴.
- 7- See: Agus, J. B. (1966). *The Vision and the Way: An Interpretation of Jewish Ethics*. New York: Ungar-Fox, M. (1975). *Modern Jewish Ethics: Theory and Practice*. Columbus: Ohio State University Press.
- ۸- در آیین یهود، به مجموعه مدون شریعت شفاهی و تفاسیر خاخام‌ها تلمود گفته می‌شود. این کتاب در دو بخش سامان یافته است: میشتنا که حاوی شریعت شفاهی به زبان عبری و در ۶۳ فصل است و گمارا که نوعی تفسیر میشتنا و اصل آن به زبان آرامی است. گمارا خود دارای دو بخش است: هلاخا که حاوی مجموعه قوانین است، و هگادا که جنبه ادبی دارد.

9- For a more detail: Lamm, N.(1974). *The Good Society: Jewish Ethics in Action*. New York: Viking_ Rosner, F. and J. D. B.(1979). *Jewish Bioethics*. New York: Hebrew Publishing Company.

10- imitatioDei.

۱۱- در میان مخالفین مذهبی، سهم کاتولیک‌ها بیش‌تر از سایر گروه‌های مسیحی است و پروتستان‌ها دیدگاه‌های ملایم‌تری دارند.

12- Somatic Cell Nuclear Transfer) (SCNT) با علامت اختصاری

۱۳- برای اطلاع بیشتر در مورد کرامت در قرآن بنگرید به: جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). کرامت در قرآن. چاپ سوم. تهران: نشر فرهنگی رجاء. سلطانی، محمد علی. (بی تا). کرامت انسان از نگاه قرآن. مجله آینه پژوهش. شماره ۱۰۲. صص ۴۱-۳۰.

۱۴- اَكْرِم نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ، فَانْكَ لَنْ تَعْتَاظَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا.

۱۵- برای اطلاع از کرامت انسان از منظر نبی مکرم اسلام (ص) بنگرید به: مظفری، آیت. (بی تا). پیامبر اکرم (ص) و کرامت انسان. مجله حصون. شماره ۹. صص ۵۴-۳۷.

16- Categorical Imperative formulas.

۱۷- مصوب ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ کنفرانس عمومی یونسکو.

۱۸- الحاقی به کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و کرامت انسان با لحاظ کاربرد بیولوژی و پزشکی مصوب ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ شورای اروپا.

۱۹- برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک: صادقی، محمود (۱۳۸۳) همانندسازی انسان، مروری بر دیدگاه‌های مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۸۳.

20- Human reproductive cloning.

21- Germ line intervention.

۲۲- ماده ۲ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات حرفه ای صاحبان حرف پزشکی و وابسته.

23- Article 7: "Le médecin doit écouter, examiner, conseiller ou soigner avec la même conscience toutes les personnes quels que soient leur origine, leurs mœurs et leur situation de famille, leur appartenance ou leur non-appartenance à une ethnie, une nation ou une religion déterminée, leur handicap ou leur état de santé, leur réputation ou les sentiments qu'il peut éprouver à leur égard. Il doit leur apporter son concours en toutes circonstances. Il ne doit jamais se départir d'une attitude correcte et attentive envers la personne examinée".

24- Article 23 : Le médecin ne peut refuser d'examiner ou de traiter un patient pour des raisons reliées à la nature de la déficience ou de la maladie présentée par ce patient ou pour des raisons de race, de couleur, de sexe, de grossesse, d'état civil, d'âge, de religion, d'origine ethnique ou nationale ou de condition sociale de ce patient ou pour des raisons

d'orientation sexuelle, de mœurs, de convictions politiques ou de langue; il peut cependant, s'il juge que c'est dans l'intérêt médical du patient, diriger celui-ci vers un autre médecin.

- 25- ARTICLE 2: Le médecin, au service de l'individu et de la santé publique, exerce sa mission dans le respect de la vie humaine, de la personne et de sa dignité. Le respect dû à la personne ne cesse pas de s'imposer après la mort.
- 26- Article 4 : Le médecin doit exercer sa profession dans le respect de la vie, de la dignité et de la liberté de la personne.
- 27- Article 7 : Un médecin sollicité ou requis pour examiner une personne privée de liberté ou pour lui donner des soins ne peut, directement ou indirectement ne serait ce que par sa seule présence, favoriser ou cautionner une atteinte à l'intégrité physique ou mentale de cette personne ou à sa dignité.

۲۸- «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقها شورای نگهبان است.»

فهرست منابع

الف: فارسی

قرآن کریم.

- احمدی، علی اصغر. (۱۳۷۹). کرامت در اسلام با تاکید بر دیدگاه امام علی (ع). مجله تربیت اسلامی. اسلامی، سید حسن. (۱۳۸۴). شبیه‌سازی در آیین کاتولیک. مجله هفت آسمان. باقری، محمدحسین. (۱۳۸۶). فطرت و کرامت انسانی از منظر قرآن و امام. مجله بینات. بی‌نا. (۱۳۸۱). شبیه‌سازی بیم‌ها و امیدها. مجله رشد آموزش معارف اسلامی. بی‌نا. (۱۳۸۲). خدا فقط عشق است، گذری بر کتاب عشق در مسیحیت و اسلام. مجله ضمیمه خردنامه همشهری ۲۶.
- بی‌نا. (بی‌تا). پرستش خدا و کرامت انسان. مجله تخصصی کلام اسلامی. پشت‌دار، علی محمد؛ عباسپور خرمالو، محمدرضا. (۱۳۸۸). کرامت از دیدگاه عرفان اسلامی و نظریه روان‌شناختی یونگ. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی. پورقهرمانی، بابک. (۱۳۸۳). نگاهی به پدیده شبیه‌سازی انسان. مجله رواق اندیشه. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۰). حق کرامت انسانی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- جمعی از نویسندگان. (بی تا). *مأخذشناسی کرامت انسان*. مجله آینه پژوهش.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). *کرامت در قرآن*. چ ۳. تهران: نشر فرهنگی رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). *نظم و تربیت پلیس در پرتو کرامت*. مقالات علمی.
- جوادی آملی، عبدالله. (بی تا). *صورت و سیرت انسان در قرآن*.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین. (۱۴۲۵ه.ق). *رساله طهارت انسان، بررسی فنی و فقهی طهارت ذاتی مطلق انسان*. چ اول. انتشارات شهریار.
- حقانی زنجانی، حسین. (بی تا). *کرامت، پایه و محور همه تعالیم اخلاق اسلام*. مجله مکتب اسلام.
- خرمی، جواد. (۱۳۸۲). *شبیه‌سازی انسان، پیامدها و عکس‌العمل‌ها*. مجله مبلغان.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل؛ حبیب‌زاده، محمد جعفر. (۱۳۸۷). *مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی*. فصلنامه حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- رضیانی، مرضیه. (بی تا). *کرامت انسان و انسان کامل در عرفان*. مجله آینه پژوهش.
- سالابارو، فردریک. (۱۳۸۲). *قوانین اخلاقی*. (ترجمه محمود عباسی). انتشارات حقوقی.
- سلطانی، محمدعلی. (بی تا). *کرامت انسان از نگاه قرآن*. مجله آینه پژوهش.
- سلیمی زارع، مصطفی؛ قاضی‌زاده، کاظم. (۱۳۸۶). *کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات*. مجله بینات.
- صادق‌پور، طیب. (۱۳۸۶). *کرامت انسان در قرآن*. مجله بینات.
- صادقی، محمود. (۱۳۸۳). *شبیه‌سازی انسان*. مروری بر دیدگاه‌های مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی. فصلنامه مدرس علوم انسانی.
- صادقی، محمود. (۱۳۸۵). *کرامت انسانی، مبنای منع شبیه‌سازی انسان در اسناد بین‌المللی*. مجله پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی.
- صالحی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). *مفهوم تقصیر و تأثیر آن در مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. تهران: دانشگاه شاهد.
- صالحی، حمیدرضا؛ الماسی، نجادعلی. (۱۳۹۰). *ماهیت حقوقی قرارداد درمان*. فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران.
- صالحی، حمیدرضا؛ حیدری، احسان. (۱۳۹۰). *مساوات به عنوان مهم‌ترین حق شهروندی از منظر نهج‌البلاغه*. همایش ملی نهج‌البلاغه و علوم انسانی.
- صانعی‌پور، محمود. (۱۳۷۶). *سنجش کرامت انسان*. قسمت آخر. مجله تدبیر.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی شخصیت و کرامت*. مجله پژوهش‌های دینی.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). *کرامت انسان در اندیشه امام علی (ع) اسباب و زمینه‌های کرامت*. مجله پژوهش‌های دینی.

- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی). دوره ۲۳ جلدی. ج ۱۳. چاپ چهارم. تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- عباسی، محمود؛ محقق، محمدعلی؛ پورزند مقدم، پژمان. (۱۳۸۸). مجموعه اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی فرهنگی و اخلاق زیستی. انتشارات حقوقی.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۸). *مجموعه کدهای اخلاق در پژوهش*. ج ۳. تهران: موسسه فرهنگی حقوقی سینا.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۶). *همانندسازی انسان؛ چالشی نوفرآروی اخلاق حقوق بشر*. فصلنامه حقوق پزشکی.
- فرهادیان، رضا. (بی تا). *دستیابی به کرامت ارزشی در انسان*. مجله تربیت.
- مؤدب، سیدرضا. (۱۳۸۶). *کرامت انسان و مبانی قرآنی آن از نگاه امام*. مجله بینات.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۶). *شبیه‌سازی انسان از منظر فقه و اخلاق*. فصلنامه حقوق پزشکی.
- محمد پوردهکردی، سیما؛ اکبریان، رضا؛ اعوانی، شهین. (۱۳۸۸). *نسبت میان عقلانیت و کرامت انسان در فلسفه ملاصدرا و کانت*. مجله معرفت فلسفی.
- مظفری، آیت. (بی تا). *پیامبر اکرم (ص) و کرامت انسان*. مجله حصون.
- معادی خواه، عبدالمجید. (بی تا). *کرامت از نگاه امام کریمان*. مجله آینه پژوهش.
- مناخیم، کلنر. (۱۳۸۲). *اخلاق یهودی*. (ترجمه مهدی حبیب‌اللهی). مجله هفت آسمان.
- مهرپور، حسین. (۱۳۸۵). *کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن*. مجله حقوق عمومی.
- مویندیا، فریبا. (بی تا). *توحید و کرامت انسانی از منظر دین اسلام*. مجله مکتب اسلام.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۴). *فلسفه کانت*. تهران: انتشارات آگاه.
- نهج البلاغه امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام*.
- نورمحمدی، غلامرضا. (۱۳۸۸). *ملاحظات فقهی در پژوهش‌های پزشکی*. فصلنامه فقه پزشکی.
- وکیل‌زاده، رحیم. (۱۳۸۶). *کرامت انسان در حقوق اسلام*. فصلنامه علمی - ترویجی علوم اسلامی.
- یاسپرس، کارل. (۱۳۷۲). *کانت*. (ترجمه میرعبدالحسین نقیب‌زاده). تهران: انتشارات طهوری.
- یدالله‌پور، بهروز. (۱۳۸۸). *معناشناسی کرامت انسان در قرآن*. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم (پیام جاویدان).

ب: عربی

- الخیاری، احمدحسن. (۱۴۲۹ه.ق). *المسئولیه المدنیة للطیب. الطبعة الاولى*. عمان: دارالثقافه للنشر والتوزیع.
- الجمیلی، اسعدعبید. (۱۴۳۰ه.ق). *الخطا فی المسئولیه الطبیه المدنیة. الطبعة الاولى*. عمان: دارالثقافه للنشر و

التوزیع.

ج: لاتین

- Agus, J. B.(1966). *The Vision and the Way: An Interpretation of Jewish Ethics*. New York: Ungar.
- Code de déontologie des médecins du Québec .(2002). Adopté par le Collège des médecins du Québec et approuvé par le gouvernement du Québec, vigueur depuis le 7 novembre 2002.
- Code de déontologie médicale à l'usage des médecins du travail .(1999). Confédération Française de l'Encadrement C G C, Fédération nationale C G C des Médecins et Membres des Professions Médicales, Juin 99.
- Code de déontologie Médicale Tunisien .(1993). Décret n° 93-1155 du 17 mai 1993, portant code de déontologie médicale. (J.O.R.T n° 40 des 28 mai et 1er juin 1993 page 764.
- Fox, M .(1975). *Modern Jewish Ethics: Theory and Practice* .Columbus: Ohio State University Press.
- Kornproobst .(1957). La responsabilité médicale. 1° édition. Paris: Sirey.
- Lamm, N.(1974). *The Good Society: Jewish Ethics in Action* .New York: Viking.
- Rosner, F. and J. D. B.(1979). *Jewish Bioethics* .New York: Hebrew Publishing Company.
- Savatier, René .(1956). Traite de droit médical. Paris. Dalloz.

یادداشت شناسه مؤلف

حمیدرضا صالحی؛ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، معاون گروه حقوق پرستاری انجمن علمی حقوق پزشکی ایران.

نشانی الکترونیکی: Salehi_hamid1202@yahoo.com

محمود عباسی؛ مدیر گروه حقوق بین‌الملل پزشکی انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

نشانی الکترونیکی: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۰/۳/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۵/۲۷